

آمیولانس

هر ایرانی یک بانک



پوریا عالمی

● همین‌طوری دورودر رفتم سمت کرج و عزیز اکبریان، نماینده مردم کرج را سوار آمیولانس کردم و حاصل اقتصاد هشت‌سال دولت احمدی‌نژاد را شست و گذاشت کنار و گفت: «امروز در خیابان‌های شهرهای بزرگ تعداد موسسات مالی خصوصی از سوپرمارکت‌ها بیشتر شده است که به پیچارم‌شدن مردم منجر شده و سرمایه خود را از دست داده‌اند.»

گفتم: عزیزجان، اجازه بده من همین الان بزنم کنار و شش و سه کیلو اسفند دود کنم تا یک وقت چشم نخورید که تازه چشم‌وگوشان باز شده و متوجه شده‌اید چی به چی است و مردم بیچاره شده‌اند.

یک‌چیزی گفتم رفت تو فکر. گفتم: بعد هم همه مردم دنیا پولشان را می‌برند سوویس، اما توی سوویس چهار تا بیلبورد بانک نمی‌بینی. اینجا توی ایران داریم به جایی می‌رسیم که هر ایرانی یک بانک داشته باشد، البته بانک که چه عرض کنم، شما بهش یگو بانکک.

البته این بانکک‌ها و موسسات چشم به چندرغاز ما دارند. چون آنها که پول تپل به جیب می‌زنند پولشان را توی بانک نمی‌گذارند که، می‌گذارند توی تریلی می‌فرستند ترکیه، خودم هم محو این تحلیل اقتصادی شده بودم. گفتم: امیدوارم امسال به خود کفایی برسیم و بانکک صادر کنیم سوویس.

نماینده مجلس هم داشت نت برمی‌داشت.

گفتم: بعد هم آقای احمدی‌نژاد هی می‌گفت «بنگاه کوچک زودبازده» نگو منظورش همین بانکک‌ها و موسسات مالی بود.

رفته بود توی فکر.

گفتم: البته شما می‌گویی مردم بیچاره شدند، ما موافق نیستیم، چون از قدیم می‌گویند یک ده آباد بهتر از صد شهر خراب، الان حال مردم خراب است ولی حال محمودرضا خاوری چی‌چی کل بانک مرکزی خوب است و الان هم بغل سلین دیون است و همسایه‌شان شده.

نماینده مجلس گفت:گیر دادی به سلین دیون‌ها. گفتم: نه گلم، گیر دامم به خاوری، منتها شما سلین دیون به چشمتم می‌آید، اما خاوری نه.

توی آینه نگاه کرد و شروع کرد به فوت‌کردن که ببیند چیزی به چشمش رفته است یا نه. من هم دیگر مزاحمش نشدم، روی یک کاذف نوشتم این آمیولانس به‌زودی تبدیل به بانک خصوصی می‌شود و خلاص.

فرداگذرانی



● پنجمین شماره ماهنامه سیاسی – اقتصادی «گذار» هم‌اکنون روی کیوسک روزنامه‌فروشی‌هاست، در این شماره مجله گفت‌وگوهایی با فائزه‌هاشمی و تقی‌آزاد‌مکی همراه با آثار و گفتاری از آذر منصوری و حمیدرضا نوربخش منتشر شده است، همچنین یادنامه هوشنگ سیحون، محمدابراهیم باستانی‌پاریزی و حسین پرتوی از سایر مطالب این ماهنامه‌اند. از زیبایی موسوی‌لاری از دولت تدبیر و تحلیل احمد حکیمی‌پور از آرای خاتمی و روحانی از مطالب پرنده «بر خراستن اصلاحات از دنده اعتدال» است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۳ • ۱۸ شعبان ۱۴۳۵ • ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۴۰ • ۱۶صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنارضا

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com



ادامه از صفحه ۷

از بقال سر کوچه تا هنرمندان، مخاطب جواهرسازی هستند

یعنی به چه ستمی می‌رفت؟

مردم فکر می‌کنند جواهرسازی معاصر همین کارهایی است که رایج شده است، هدف من از انتشار این کتاب نشان‌دادن ایده، روشن‌شدن وضعیت جواهرسازی معاصر و شناخت بیشتر آن است، ترسم این بود که به سمت جواهرسازی کلاسیک نروم چون در این رشته ما آثار میناکاری در موزه ملی جواهرات داریم که الان هیچ‌یک از استادکارهایمان نمی‌توانند مانند آنها را بسازند چون اطلاعات به حلیه زبان زرگری پنهان مانده و منتقل نشده است، در حوزه جواهرات معاصر باید تکنیک‌ها را آموزش دهیم و یکی از برنامه‌های من نمایشگاه‌گردانی مجموعه‌ای

«من یک حقوق‌دانم؛ من سرهنگ نیستم». این جمله با همه کوتاهی، ایجاز و اختصار در همه بیاوها و سخنان مفصل و مطولی که در جریان انتخابات سال ۹۲ منتشر شد، درخشان‌ترین بیانی است که بر مهم‌ترین نیاز جامعه ایرانی امروز تاکید خاص دارد. نمی‌دانم حسن روحانی قبل‌تر از آن جلسه مناظره این جمله را در ذهن خود پخته بود و صیقل داده بود یا نه. اما این شش کلمه جادویی توانست کوتاه‌ترین و رساترین بیانیه سیاسی انتخاباتی را منتشر کند. او بطور غیرمستقیم و بفسادگی تمام بر



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

شش کلمه جادویی

و تمامیت ارضی به مخاطره افتد. مدلول جمله روحانی این است که این الگو برای اداره کل جامعه نمی‌تواند مفید و کارآمد باشد. شش کلمه جادویی حسن روحانی در آن مناظره معروف بر تفاوت‌های سنگین و جدی این دو الگو تاکید می‌کند و به این ترتیب در کوتاه‌ترین بیانیه ممکن چنین می‌گوید که اداره کشور باید طبق قانون و بر اساس عدالت، نظم و آزادی انجام شود ولاغیر. عمر این جمله اما پایان نیافته است. در آن مناظره معروف سنگینی بار این شش کلمه بر دوش رقیب انتخاباتی حسن روحانی بود. اینک اما بار این جمله بر دوش خود آقای رییس‌جمهور است که اقتضای شش کلمه جادویی‌اش را با تلاش هوشیارانه و کارشناسانه برای حاکمیت، قانون و ارتقای عدالت و آزادی به نمایش بگذارد. اگرچه سالی بیش نگذشته است اما نشانه‌های این اراده را می‌توان در او دید.

فراخوان

سعید لیلار: جنس چینی نخریم

پیدا کند و به یک حد متوسط نه خیلی عالی در دنیا برسد درست با یک‌سوم انرژی مصرفی فعلی می‌شود همین مقدار ثروت تولید کرد. تصور کنید مصرف بنزین و گازوئیل ایران ناگهان یک‌سوم شود، خواهید دید که انقلاب زیست‌محیطی در ایران اتفاق می‌افتد. همین‌طور بحران کمبود آب در ایران، بحران فقدان تکنولوژی مناسب در بخش کشاورزی است، باید قادر باشیم با آب کمتر از این، همین مقدار محصول کشاورزی تولید کنیم. همچنین در مورد مصرف آب در منازل و مناطق شهری برآوردها نشان می‌دهد تا یک‌سوم آب تصفیه شده، در تصفیه‌خانه‌ها و در جریان توزیع تا قبل از اینکه به دست مردم برسد از بین می‌روند. به هر حال ایران یکی از پایین‌ترین بهره‌وری‌های جهان را در استفاده از محیط‌زیست دارد. در عامل اصلی تخریب محیط‌زیست ایران است. هم‌ااش اقتصاد، مدیریت و تکنولوژی است.

❖ **وقتی حرف از اقتصاد می‌شود، بلافاصله در نظر مردم پول و سرمایه به ذهن می‌رسد، خودتان را آدم پولداری می‌دانید؟**

من خودم را جزو دو دهک اول درآمدی جامعه ایران می‌دانم؛ یعنی ۲۰درصد بالای مردم.

❖ **تا به حال در زندگی‌تان به کسی بدهکار بوده‌اید؟**

متأسفانه خیلی به‌ندرت پیش می‌آید، هیچ‌بنی‌ش‌ر و بانک‌ی در ایران نمی‌توانید پیدا کنید که به سعید لیلار وام داده باشد. من یادم نمی‌آید که تا به حال از کسی وامی گرفته باشم، یارانه نقدی گرفته باشم یا عواید تعاونی مسکنی بوده باشم. سعی می‌کنم کمتر مصرف کنم اگر پول ندارم، به مقدار خیلی معدود و کم پیش آمده که به پدرم بدهکار بوده باشم.

❖ **صندوق ذخیره‌ارزی در خانه دارید؟**

در حال حاضر نه.

❖ **اقتصاد شخصیتان را چگونه مدیریت می‌کنید؟**

همیشه به اندازه‌ای که هزینه‌های زندگی را تأمین کنم پول درآوردم، هیچ‌گاه مساله پول نداشتم.

❖ **یعنی دخل‌وخرجتان با هم می‌خواند؟**

همیشه خوانده است، حتی وقتی زندان بوده‌ام. من نه هزینه‌هایم خیلی بالاست نه درآمدم.

❖ **توصیه اقتصادی شما به اطرافیانان چیست؟**

باید با به اندازه درآمدمان هزینه کنند یا به اندازه هزینه‌هایشان پول در بیاورند. این کاری است که من همه عمر کوشیدم انجام دهم.

❖ **اگر دقیق‌تر ببینیم بین تمام چیزهایی که به افزایش سود مربوط می‌شود، در حال حاضر کدام را بیش از همه برای سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌کنید؟**

از آنجایی که در هشت‌سال گذشته تولید در حوزه صنعت و کشاورزی ذلیل شده بود، برخلاف تصور توصیه می‌کنم سرمایه‌گذاری در حوزه کشاورزی و صنعت را ما لحاظ قرار دهیم، به این خاطر که کاهش شدید قیمت ربال در برابر دلار در دو سال اخیر یک بار دیگر تولید داخلی به خصوص در حوزه کشاورزی را جذاب کرده است. می‌دانید یکناله بخش اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ که از خودش رشد حسابی نشان داده‌اند، کشاورزی بوده است.



دنیا عیوضی



برایسر ریال همپای تورم تغییر کند یا نرخ تورم همان‌طوری که نرخ ارز تثبیت شد به صفر برسد و اگر نه این باری تا ابد ادامه خواهد داشت. در تمام ۴۰سال گذشته این رویه اقتصاد ایران بوده است.

❖ **آیا از نظر شما ناراحت‌کننده نیست که نمی‌توان جلو واردات اجناس چینی را گرفت؟**

من موافق نیستم که مردم جنس ایرانی نمی‌خرند. تا سال ۱۳۸۳ ما ۱۴۰هزار میلیارد تومان تولید ناخالص داخلی داشتیم که با این مقدار تولید ناخالص داخلی فقط ۳۰میلیارد واردات داشتیم، بنابراین سهم واردات در اقتصاد ایران هیچ‌گاه بیش از ۱۵تا۱۷درصد نبوده است. ۸۰ تا ۸۵ درصد تولیدات ایران از داخل تأمین می‌شود و در داخل هم مصرف می‌شود. اتفاقاً اقتصاد ایران هنوز به اندازه کافی و به اندازه یک کشور توسعه‌یافته در حد اروپا وابسته به واردات نشده است. این واردات نیست که بد، غم‌انگیز و منفی است. اینکه ما نفت بفروشیم و به‌جایش کالای مصرفی وارد کنیم بد است. از سال ۹۱ به‌بعد می‌بینیم که سهم نفت در تولید ناخالص ایران به کمتر از ۴/۱۵درصد کاهش پیدا کرده است. در سال ۱۳۹۱ ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی در ایران روی هم شش‌برابر ارزش افزوده بخش نفت بود. بنابراین به‌عنوان کشوری که ۱۲۰میلیون تن مواد غذایی با کشاورزی تولید می‌کنیم ما اساساً اقتصادمان متکی به تولیدات داخل است. نباید این شعارها و بحث‌های سیاسی و غبارها روی حقیقت سایه بیندازد.

❖ **این روزها بحث آلودگی‌های محیط‌زیست مطرح است، آیا این آلودگی با اقتصاد رابطه‌ای دارد؟**

مشکل آلودگی هوا مآمنش اقتصادی است، مساله اینجاست که ما روزانه دومیلیون‌شکه نفت به اقتصاد ایران تزریق می‌کنیم و از آن میزان فقط ۶۰۰،۰۰۰میلیارددلار ارزش افزوده در سال به‌دست می‌آوریم. یعنی در سال ۱۳۹۰ به تحقیق ما اسراف کارترین ملت جهان در مصرف حامل‌های انرژی بودیم که کمترین ارزش افزوده را از مصرف حامل‌های انرژی به‌دست آوردیم، اگر بهره‌وری در اقتصاد ایران افزایش

درام تلفنی

قوی‌تر

میگه... نمی‌دونم شاید اون مهم‌تره.

- راستی قرار بود متن را بخونی؛ خوندی؟

- حواست کجاست؟
- داشتم فکر می‌کردم.
- به چی؟
- من متن را خوندم. خیلی خوشم اومد. یه پیشنهاد برات دارم.
- بگو.
- میگم چطوره حالا که تو کارگردانی دوست نداری من متن را کارگردانی کنم. تو نقش زنِ اون رابازی کنی که حرف نمی‌زنه.
- نقش زنِ اول را کی بازی کنه؟
- خودم بازی می‌کنم. اینطوری راحت‌تر، هرچی جمع‌وجورتر باشه؛بهتره.

- داری بهش فکر می‌کنی؟
- دارم فکر می‌کنم تو برای نقش زنِ اول مناسب‌تری یا من؟

- آره، گفתי بعد از این‌همه‌سال کارکردن چرا خودم کارگردانی نمی‌کنم؟
- تو گفتی کارگردانی در‌دسر دارم. آدم وقتی بازی می‌کنه مسئول خودشه، ولی موقع کارگردانی مسوول صدنفر...
- تو گفتی این حرفا نیست. کافیه به دستیار خوب و زیل پیدا کنی. اون ترتیب کارارو میدم.
- آره.
- من پرسیدم دستیار خوب و زیل از کجا پیدا کنم؟
- من گفتم کمک‌می‌کنم. اینقدر پله‌های تئاتر شهر و بالا و پایین رفتم که همه راه و چاه را بلدم.
- من دوست داشتم نمایش قوی‌تر استریندبرگ را کار کنم.
- تو می‌گفتی زنی که دیالوگ نداره و حرف نمی‌زنه نقشش سخت‌تره. یادته؟
- آره اون سخت‌تره. هیچی نمی‌گه ولی نقش سخت‌تره و قوی‌تره.
- چون بازی در سکونه.
- زنی که وارد کافه میشه مرتب حرف میزنه. اول به‌نظر میاد اون‌ه که محوره، مرتب حرف میزنه و از خودش



سوسن مقصودلو

- الو زنگ می‌زنم جواب نمی‌دی.
- چرا نبر؟
- نبر دیگه بسه! بیا یه‌بار جفا کن.
- گمونم میگه وفا.
- وفا رسا جفا! فرقتش چیه. راستی این آهنگو کی خونده؟
- یادم نیست.
- خب غرض از مزاحمت. یادته توی بوفه تئاتر شهر دیدمت؟
- آره.
- یادته بهت چی گفتم؟
- بهم گفתי چرا کار نمی‌کنی
- احسنت. تو گفتی کار خوب باشه، بازی می‌کنم.
- کار خوب برام سراغ داری؟
- حوصله کن. یادته بهت گفتم منظورم بازی نیست؟

جفای سالیان

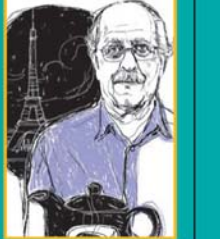
ناگفته‌های نصرالله پورجوادی از مرکز نشر دانشگاهی وخاطراتی از: محمود دولت‌آبادی ناصر ایرانی معصومی همدانی فرزانه طاهری

شانزدهمین شماره «اندیشه پویا» منتشر شد



شبح سرمایه بر فراز دنیا

جنجال توماس پیکتی به روایت محمد طبیبیان



ایرانم را در چمدان با خود آوردم یک فنجان اسپرسو با داریوش آشوری در میدان باستیل پاریس

روزی روزگاری:

ملال و امید

با آثاری از:

خشیار دیهیمی / آرش نراقی محمد جواد کاشی / محمد چومشیر محمد صالح‌علا / شهلا لاهیجی سیامک گلشیری / بلقیس سلیمانی

پس از پایان کابوس

گفت‌وگو با سعید حجاریان

یک سال پس از انتخابات ریاست جمهوری

تحلیل آرای خاموش

نسبت روحانی و توسعه سیاسی در نظر خواهی از تحلیلگران